

27 اکتوبر تا 2 نوامبر The Economist هفته نامه
برگردان به فارسی: مسعود اندیشمند

بسوی یک سرزمین بهتر

خیلی چیزها در افغانستان خطا رفته است؛ اما پیشرفتی که تا به حال بدست آمده نباید ضایع شود. برای لحظه بی هزینه های کلان جنگ طولانی در افغانستان بر علیه طالبان را - که در آن به صدها میلیارد دلار خرج گردیده است و تلفات جانی که این جنگ بعد از حمله امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ به دنبال داشته است را - کنار بگذارید. و همچنان، کنار بگذارید، ادعاهای اغراق آمیز و گاه گاه نادرست و اغراق آمیز غرب را در گذشته در مورد افغانستانی که بوجود خواهد آمد. پرسش اکنون این است که افغانستان با چه نوع چشم اندازی مواجه میگردد و درینجا بهترین پی آمد را چگونه باید تحقق بخشید؟

مبتنی بر روحیه ی سران ناتو و رای دهندگان غرب (کشور های غربی که در افغانستان دخیل اند) این جنگ در افغانستان غیر قابل پیروزی است و کشور افغانستان به نظر آنها یک گودال پر از فساد، دارای حکومت فاسد، نا سیاسی و خشونت آمیز است. این پنداشت گسترش یافته است که، بعد از ۲۰۱۴ هنگامیکه نیروهای خارجی افغانستان را باید ترک کنند، این کشور ناگزیر بسوی جنگ خونین داخلی دچار خواهد گردید، که این حالت موقع را برای برگشت طالبان به کابل مساعد خواهد کرد. سیاستمداران غربی مانند مردم آن از جنگ بیزار شده اند، آنها زیر تأثیر احساسات مردمی رفته اند و به آنها سر خم می کنند و میخواهند که نیروهای خود را زود تر به خانه ی خود برگردانند. برخی از کشور های دخیل در حال حاضر افغانستان را ترک گفته اند و کشور های دیگر میخواهند که این کار را در سال ۲۰۱۳ انجام بدهند. در واشنگتن و لندن سخن از شتاب بخشیدن پروسه ی خروج نیروهای خارجی میروود.

این کار یک اشتباه خواهد بود، بنا بر دو دلیل:

اول اینکه این همه پیشرفت دشواری که در افغانستان تا به حال صورت گرفته است در معرض خطر قرار میگیرد، و دوم اینکه بطور غیر لازم یک حکومت معقول و مؤثر را در افغانستان به مخاطره می اندازد.

توقعات در مورد آینده افغانستان در حال حاضر تا حد زیادی کاهش یافته است، که برآستی چنین است. اما با این حال، باوجود این همه ناامیدی ها، افغانستان یازده سال پیش، بعد از سقوط طالبان شاهد پیشرفت های واقعی بوده است. در این یازده سال در مورد احیای آموزش و پرورش و مراقبت های بهداشتی اولیه خیلی کار صورت گرفته است. جوانان تحصیل کرده افغان دیدگاه گسترده تر و آرمانی تر در مقایسه با والدین خود دارند. پایتخت کشور، کابل، که زمانی خرابه ی بیش نبود، در حال حاضر به مرکز بازرگانی که در آن بیش از پنج میلیون مردم زندگی میکند، تبدیل شده است. تیلیف های همراه و با پوشش 3جی (نسل سوم شبکه تیلیف همراه) بطور گسترده رایج است. رسانه ها آزاد و پر جنب و جوش اند.

چند سال قبل، تقریباً از هیچ چیز خبری نبود. در حال حاضر یک نیروی قوی ۳۵۰۰۰۰ نفری امنیت ملی استخدام گردیده اند، آموزش دیده اند و مستقر شده اند. البته این نیروها نیاز به پیشرفت دارند، اما این نیروهای افغان است که در 9 در دهم تمام عملیات جنگ میکنند و در حدود نیمی ازین عملیات را خود آنها رهبری میکنند. البته با شورشیانی که نیرو های افغان روبرو میشوند پر جنب و جوش تراند، اما پیش بینی های یک جنگ داخلی جدید غافلگیرانه است. حمایت از طالبان خیلی محدود است، و رهبران ارشد آنها از جنگ خسته شده اند. و حتی خود طالبان متوجه شده اند که هیچ فرقه یی میان شان قدرت کافی نظامی ندارند تا غالب شوند.

اگرچه مسئله‌ی انتقال مسؤلیت‌های امنیتی برای خود افغانها بهتر است از آنچه که بسیاری فکر میکنند، ولی جنبه‌ی سیاسی که یکسان با مسئله‌ی انتقال امنیتی مهم است، با مشکلاتی مواجه است. انتخابات ریاست جمهوری قرار است در نیمه‌ی اول سال ۲۰۱۴ برپا گردد. حامد کرزی رهبر افغانستان که از سال ۲۰۰۴ بدین سو رئیس جمهور کشور بوده است، بر اساس قانون اساسی افغانستان از کاندید شدن مجدد در انتخابات محروم است. برای افغانها این بسیار مهم است که بهسازی روند این انتخابات را در مقایسه با رای‌های تقلب‌آمیز انتخابات سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، ببینند. جز اینکه مردم افغانستان بتوانند برای یک رئیس جمهور و یک دولتی با مشروعیت گسترده‌ی رای بدهند، در غیر آن انتخاباتی مملو از تقلب، انشعابات و نفاقهای قومی و جناحی را در بر خواهد داشت (که باعث جنگ داخلی خواهد شد) - که این نوع وضعیت احتمالاً خیلی خطرناکتر از موجودیت طالبان خواهد بود.

آقای کرزی و سیاستمداران ارشد افغانستان کلانترین مسؤلیت را در رابطه به اینکه چه اتفاقی بعداً می‌افتد بر عهده دارند. رئیس جمهور افغانستان وعده داده است که نمیخواهد با تغییر آوردن در قانون اساسی و یا با اعلام وضعیت اضطراری، در انتخابات آینده شرکت کند. آقای کرزی خود را به عنوان یک ملت‌گرا می‌نگرد و میخواهد که به عنوان یک قهرمان بزرگ از وی یادآوری گردد. ولی وی یک شبکه‌ای از فامیل و دوستان را در گرد خود دارد و همچنان وی سابقه‌ی قراردادن منافع آنها بالاتر از منافع کشور را دارد.

بنابراین، این خیلی مهم است که رئیس آینده کمیسیون مستقل انتخابات، آفریده کرزی نباشد. (رئیس مستقل کمیسیون انتخابات برای انتخابات آینده فضل احمد معنوی منصوب گردیده است و همچنان تاریخ برگزاری انتخابات که ۱۶ حمل/فروردین ۱۳۹۳ برابر با ۵ اپریل ۲۰۱۴ است مشخص گردیده است. - مترجم.)

آقای کرزی باید با پارلمان بخاطر رسیدن به یک توافق در مورد اصلاحات جدید انتخابات پارلمانی کار کنند. وی و کمیسیون مستقل انتخابات باید ثبت نام جدید رای دهندگان را برپا کنند، بطور ایدیال با استفاده از یک سیستم شناسنامه‌ی الکترونیکی بر ضد تقلب کاری شروع به کار کنند. در آخر، آقای کرزی از معرفی یک نامزد به عنوان جانشین خود باید خودداری کند. فقط با دخیل نبودن کامل در انتخابات آینده آقای کرزی میتواند نشان دهد که انتخابات بطور منطقی عادلانه خواهد بود. این یک اجندای بلند همت و طاقت فرسا است - و به احتمال زیاد اتفاق خواهد افتاد اگر آقای کرزی از خارج تحت فشار قرار گیرد. عجله کردن در مورد خروج نیروها ی خارجی، نفوذ باقی مانده ی ناتو در افغانستان را فقط برباد خواهد نمود. در عوض، امریکاتعهدات خود را با مستحکم کردن توافقات در مورد روابط دیپلماتیک و امنیتی با افغانستان بعد از ۲۰۱۴ باید برقرار سازد. علاوه بر این، تمویل کنندگان خارجی میتوانند با استفاده از نفوذ یکه آنها در تعهدات جولای که در توکیو برقرار شده بود استفاده کنند تا کمکی به ارزش ۱۶ میلیارد دالر تا سال ۲۰۱۵ به افغانستان تدارک ببینند. این پولی که جداگانه برای نیروهای امنیتی وعده داده شده است نباید در آن چانه زنی صورت گیرد - قطع چنین پول نقد از طرف روسیه بود که باعث سقوط افغانستان در سال ۱۹۹۲ گردید. با این حال، آقای کرزی و دیگر سران افغان باید بدون شک این را بپذیرند که یک انتخابات دزدیده شده بهانه‌ی برای تمویل کنندگان برای صرف نظر از وعده‌ی شان میشود. خیلی چیزها در افغانستان به خطا رفته است، ولی برای غرب به اندازه‌ی کافی خیلی چیزها بطور درست پیش رفته است و غرب باید به دنبال آن همه چیزهای خوبی که در افغانستان ایجاد شده است، باشند.